

# چند تاریخی مربوط باصفهان

در نوشته های ایرانشناسان خارجی اعم از کتب و مقالات اسناد تاریخی فراوانی به صورت پراکنده به چاپ رسیده است . قسمتی از این اسناد از مجموعه های خارجی و بخشی نیز از مجموعه های ایرانی است که معمولاً " به خصوص نوع دولتی آن - در دسترس محققان ایرانی نیست و جای خوشوقتی است که سازمان ها و مؤسسات وحتى افرادی که این گونه مجموعه ها را در دست دارند و اجازه استفاده از آنها را به هیچ وجه و با هیچ توسل و تمهید به محققان ایرانی نمی دهند نسبت به ایرانشناسان خارجی که گاه انعطاف و عنایتی نشان می دهند و این موجب می شود که به فضل کوشش و همت همین خارجیان گاه برخی مدارک و اسناد تاریخی از مجموعه های ایرانی در معرض استفاده و اطلاع ایرانیان قرار گیرد که برای خود ما دست یافتن بر آن جزء محالات عادی شمرده می شود .

اشکال کار این است که تحقیقات خارجیان نیز به نوبه خود کمتر مورد اطلاع اهل فضل قرار می گیرد و در صورت آگاهی یافتن نیز دسترسی بر بسیاری از آنها خالی از مشقت نیست .

در این قبیل نوشته ها ، از جمله به تعدادی از اسناد تاریخی مربوط به اصفهان برخورد می شود که در تحقیقات اصفهان شناسی بسیار مفید و سودمند است و اشاره به برخی از آنها که اکنون در مد نظر است بی فایده به نظر نمی رسد :

۱ - اسناد مربوط به بقعه شهنشهان و خاندان شاه علاءالدین محمد نقیب :

سید شاه علاءالدین محمد نقیب فرزند شاه قطب الدین محمد از بزرگان سادات حسینی اصفهان (۱) و ثمره شجره آل طه ویس (۲) در سال های ۸۴۶ - ۸۵۰ در روزگاری که میرزا سلطان محمد بایسنغر بر نیای خود شاهرخ شوریده و بر قم و اصفهان به استقلال فرمانروایی می نمود در شمار هواداران وی بود و میرزا سلطان محمد او را در امر ملک دخلی عظیم داد (۳) و به پیشوایی عراق ملکا " و مالا " و منصباً " برداشت و در مشاورت امور مملکتی از دیگران ممتاز گردانید (۴) ، و به همین جهت پس از لشکر کشیدن شاهرخ

۱ - تذکره دولت شاه سمرقندی : ۳۷۸ چاپ تهران .

۲ - تاریخ جدید یزد : ۲۴۲ .

۳ - احسن التواریخ روملو ۱۱ : ۲۵۷ . ۴ - دیار بکره ۱ : ۲۸۷ .

به عراق که به گریختن میرزا سلطان محمد مزبور انجامید به سعایت گوهرشاد همسرشاهرخ در نیمه ماه رمضان سال ۸۵۰ بر دروازه شهر ساوه به دار آویخته شد (۱).

بقعه شهشهان اصفهان مدفن همین سید شاه علاءالدین محمد است که به فرمان میرزا سلطان محمد بنا شده و کتیبه گچ بری بقعه به ثلث سید محمود نقاش (نویسنده کتیبه‌های در مسجد جمعه اصفهان مورخ ۸۵۱) از همان زمان برجای مانده است. پس از آن در اوائل قرن یازدهم نیز از این بنا تعمیری به عمل آمده که کتیبه‌های از کاشی معرق مورخ ۱۰۱۳ در داخل بقعه حاکی از آن است. وصف این بنا و کتیبه‌های آن در تذکره القبور گزی (۲) و گنجینه آثار تاریخی اصفهان (۳) و آثار ملی اصفهان (۴) دیده می‌شود.

اسناد مربوط به این بقعه در اختیار سید حسین شهشهان از بازماندگان دودمان بوده که ژان اوین ایران‌شناس معاصر فرانسوی بیشتر آنها را نزد او دیده و در دو مقاله از نوشته‌های خود در سلسله Archives Persanes Commenters

آنها را معرفی کرده است. در برخی مصادر ایرانی که نویسندگان آنها پیش تر پاره‌ای از این اسناد را دیده بوده‌اند نیز از آنها یاد شده است.

چنین است فهرست اجمالی آنها :

(۱) فرمان میرزا سلطان محمد بایسنغر مورخ ۱۲۶۱ - ۸۵۲ در وقف دو قریه اصفهانکو در زیان از بلوک کراچ اصفهان و قریه و لاسان فریدن (۵). این سند را آقای دکتر نوائی نیز دیده و در تعلیقات جلد یازدهم احسن التواریخ روملو از آن سخن داشته (۶) و می‌گوید که مهرقاضی ابوبکر طهرانی اصفهانی نگارنده دیار بکریه را بر آن دیده است. در تعلیقات کتاب از سعدی تا جامی (۷) و در گنجینه آثار تاریخی اصفهان (۸) هم از آن یاد شده جز آن که در "از سعدی تا جامی" تاریخ سند را ۱۶۱۲ - ۸۵۲ و در کتاب اخیر ۱۶۲۲ این سال نوشته‌اند که با نقل اوین اختلاف دارد.

۱ - دیار بکریه ۱ : ۲۸۸ / مطلع السعدین سمرقندی ۲ : ۸۶۶ چاپ لاهور احسن

التواریخ ۱۱ : ۲۶۰ .

۲ - چاپ دوم : ۱۸۸ - ۱۹۳ .

۳ - صفحات ۳۳۳ - ۳۴۱ .

۴ - صفحات ۸۰۲ - ۸۰۵ .

۵ - مقاله او در یادنامه ماسینیون ، چاپ دمشق که عنوان کامل آن چنین است :

Note Sur Quelques documents Aq-Qoyunlu (Archives Persianes Commenters I) Melanges Louis Massignon. Damas. 1956. vol 1. 11. pp 122-147 ;

۶ - صفحه ۷۰۱ .

۷ - صفحه ۶۵۰ چاپ دوم . ۸ - صفحه ۳۳۶ .

(۲) فرمان یعقوب بیگ آق قویونلو مورخ ۲۶۵ - ۸۸۴ در واگذاردن مزرعه و ولاسان فریدن از موقوفات بقعه شهشهان به متولی بقعه که در آن تاریخ شاه تقی‌الدین محمد فرزند قوام‌الدین حسین برادر شاه سید علاء‌الدین محمد نقیب بوده است (۱). در این سند از فرمان ابوالقاسم بابر در همین باب و فرمان اوزون حسن مورخ ۱ شعبان - ۸۷۹ برای شاه نورالدین برادر شاه تقی‌الدین محمد مزبور، و دختر شاه سید علاء‌الدین محمد نقیب یاد می‌شود (۲).

(۳) طومار مورخ ذق - ۸۸۶ در تاء‌بید وقف بودن اصفهانک و در زیان و ولاسان، باسجل و اشهاد جلال‌الدین دوانی (محمد بن اسعد بن محمد الصدیقی الدوانی والی شرعیات فارس بالتفویض السلطانی) دانشمند مشهور آن دوره و قاضی عیسی شکرالله ساوجی وزیر یعقوب بیگ آق قویونلو و قاضی ابوبکر طهرانی یاد شده پیش (مولف دیار بکریه) (۳). این سند را آقای علی اصغر حکمت نیز دیده و در پاورقی صفحات ۶۵ - ۶۵۱ کتاب از سعدی تا جامی وصف کرده است. متن سجلات یاد شده نیز در همان پاورقی نقل شده و عکس قسمتی از پائین‌سند که مشتمل بر سجل دوانی است در برگ ضمیمه‌ای (میان صفحات ۶۵۲ - ۶۵۳) به چاپ رسیده است.

(۴) صورت مجلس حکم محکمه شرعی در مورد وقف بودن قریه اصفهانک کراچ که رستم بیگ آق قویونلو به‌لله خود عبدالکریم بیگ بخشیده و شاه تقی‌الدین محمد متولی وقف به محکمه شرع اصفهان شکایت برده بود، مورخ ۱۰ شعبان ۹۰۰ (۴). از این سند نام گروهی از بزرگان آن دوره اصفهان که به عنوان شهود به نفع شاه تقی‌الدین محمد در محکمه شرع شهادت داده‌اند و قضات حنفی و شافعی اصفهان که آن را توشیح کرده‌اند دانسته می‌شود. اوین نام‌همه این افراد و همچنین ۲۶ تن از بزرگان را که بر سنداشهاد نوشته‌اند نقل نموده است.

(۵) فرمان رستم بیگ آق قویونلو مورخ ۱ رمضان ۹۰۰ در باره ضبط و سرکاری موضع اصفهانک که به دنبال حکم مزبور صادر شده و در آن گفته می‌شود که پیش از این موضع مذکور با حکم دیگری از همین پادشاه سیورغال‌لله او عبدالکریم بیگ بوده و چون در این سال موقوفه بودن آن به ثبوت رسیده به موجب این فرمان مقرر گردیده است که آن را به

۱ - یادنامه ماسینیون ۱ : ۱۳۸ ، این شاه تقی‌الدین در سال ۹۱۰ کشته شد (روملو

۱۲ : ۸۲ و ۸۵)

۲ - همان جا ، نیز ببینید : فرمانهای ترکمانان قراقویونلو، آق قویونلو، ص ۸۱ .

۳ - یادنامه ماسینیون ۱ : ۱۳۷ .

۴ - یادنامه ماسینیون ، مقاله اوین .

تصرف شاه تقی الدین محمد نقیب متولی شرعی گذارند (۱) .

این سند پیش از آن در تذکره القبور گزی (۲) به عکس و حروف چاپ شده بود و سپس در شماره اول سال ششم مجله وحید (۳) و کتاب فرمان های ترکمانان قراقویوندو و آق قویونلو (۴) نیز نقل شده است . تعجب است که در هنگام تدوین این کتاب کلمه " امارت مآب " را در سطر ششم فرمان - که در عکس سند بسیار روشن است و در تذکره القبور و یادنامه به اشتباه " ابدرتان " خوانده اند - نتوانسته بودم درست بخوانم و جای آن را نقطه چین کرده ام .

(۶) فرمان شاه اسماعیل صفوی مورخ ۱۴ ذق - ۹۱۰ در واگذاردن مقام نقابت نقباء عراق عجم به شاه قوام الدین حسین برادر شاه تقی الدین محمد مزبور و تنفیذ او در مقام قاضی القضاتی اصفهان (۵) . این شاه قوام الدین پس از این نظارت دیوان اعلی یافت (۶) .

(۷) فرمان شاه طهماسب مورخ ۱۰ رجب ۹۳۱ در مورد سیورغالات معزالدین محمد فرزند شاه تقی الدین محمد مزبور (۷) که پس از این به صدارت رسید (۸) .

(۸) فرمان همان پادشاه در باره همان سید با اشاره به فرمان مورخ ۲ ج ۱ - ۹۴۰ که تاریخ آن مشخص نیست (۹) .

(۹) فرمان شاه عباس اول مورخ ج ۲ - ۱۰۰۶ در باره میرزا محمد امین نواده شاه تقی الدین محمد (۱۰) .

(۱۰) استشهدی از اوائل قرن یازدهم مربوط به قراء اصفهانک و درزیان و ولاسان موقوفات بقعه شهشهان که تولیت آنها به شاه تقی الدین محمد نقیب مفوض بوده و در آن روزگار امیر تولیت به نواده او میرزا محمد امین حسینی مزبور منتهی شده بوده است . با سجل شیخ بهائی و جلال الدین محمد ترکه و محمد مؤمن خنجسی و خلیفه سلطان و معزالدین محمد شریف (۱۱)

- ۱ - همان جا .
- ۲ - میان صفحات ۱۸۸ و ۱۸۹ ، چاپ دوم .
- ۳ - صفحات ۴۹ - ۵۰ .
- ۴ - جزوه یاد شده آقای اوین : ۱۵ - ۱۶ .
- ۵ - صفحات ۱۰۹ - ۱۱۱ .
- ۶ - " ایضا " : ۱۷ .
- ۷ - همان مقاله یادنامه ماسینیون .
- ۸ - لب التواریخ : ۲۵۷ .
- ۹ - مقاله یادنامه ماسینیون ۱ : ۱۳۷ ( پاورقی ) .
- ۱۰ - جزوه تالیفی آقای اوین با نام :

این سند پیش از آن در کتاب "انساب خاندان های مردم نائین" تاء لیف عبدالهجه بلاغی (۱) خوانده شده و عکس آن نیز در همان جا به چاپ رسیده است (۲).  
 (۱) سند مورخ ۱۱۹۰ با اشاره به حکم قاضی القضاة فارس مورخ ۸۶۰ که در آن تاریخ وارث ذکوری از شاه سید علاء الدین محمد نقیب باقی نمانده بود و این می رساند که فرزند او قطب الدین محمد پیرامون سال ۸۵۹-۸۶۰ درگذشته است (۳).

\* \* \*

جزاین ها بر سه سند دیگر در این باب آگاهی یافته ایم .

(۱) صورت مجلس محکمه شرعی اصفهان در باب دودیه از توابع اصفهان با نام های اندوان و فیروز آباد از بلوک قهاب که اقطاع تملیکی شاه تقی الدین محمد نقیب شده است با توشیح رسخم بیک آق قویونلو و علماء و قضاة و حکام شرع اصفهان ، مورخ ۲۰ ج ۲-۲۰۹۰۲ . این سند را آقای ایرج افشار در نائین یافته و متن آن را به عکس و حروف در مجله بررسی های تاریخی (۴) نشر نمودند و سپس در مجموعه فرمان های ترکمانان قرا قویونلو و آق قویونلو (۵) نیز به چاپ رسید .

(۲) فرمان حاجی میزاحمد حسین صدر اصفهانی مورخ ج ۱-۱۲۲۷ در واگذاردن امر برداشت محصول یک دانگ از قریه اصفهانک واقع در بلوک کراچ اصفهان (موقوفه بقعه شهشهان) به میرزا محمد امین (از بازماندگان دودمان مزبور) از آن سال به بعد ، خطاب به میرزا باقر ضابط بلوک کراچ (۶) .

(۳) فرمان ناصر الدین شاه مورخ ذق-۱۲۶۶ خطاب به غلامحسین خان سپهدار حاکم اصفهان در تعیین چهل تومان نقد و هشت خروار غله به صیغه مستمری در وجه میرزا محمد باقر شهشهانی ، گویا از همین سلسله (۷) .

- 
- ۱- صفحات ۱۷۷ و ۱۷۸ . فهرست کتابها و مقالاتی که تا آن زمان درباره "موقوفه اصفهانک و بقعه شهشهان چاپ شده بود در صفحه ۱۸۰ همین اثر هست .
  - ۲- صفحات ۱۸۰ و ۱۸۱ .
  - ۳- مقاله یادنامه ماسینیون ۱: ۱۳۷ .
  - ۴- شماره ۴ سال هشتم .
  - ۵- صفحات ۱۳۱ تا ۱۳۸ . اصل سند اکنون در "سازمان ملی اسناد ایران" است .
  - ۶- نسخه های خطی ، نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۱: ۲۴۸ .
  - ۷- همان مأخذ : ۲۵۱ .

اینک متن اسناد شماره ۷ و ۸ و ۹ که در جزوه تالیفی آقای اوین در باب اسناد تکیه، جیمارود نطنز آمده و چون آن جزوه کمتر در دسترس است نقل متن سه سند مربوط به اصفهان و شهبهان آن را بی فایده نمی بیند:

(۱)

هو الله سبحانه و تعالی

بسم الله الرحمن الرحيم

یا محمد یا علی

الحکم الله

ابوالمظفر طهماسب بهادر سیوزومیـــــز

حکام و داروغگان و متصدیان امور دیوانی و عمال دارالسلطنه اصفهان بدانند (۱) که چون سیورغالات و مسلمیات دارالسلطنه مذکور خصوصا " سیورغالات و مسلمیات سیادت و نقابت پناه افاضت و حقایق دستگاه فهامه العلمائی نقیب النقبائی معزالشریعه و الحقیقه و الدین محمدا به موجب فرامین مطاعه متبعه همایون از حشوبنیچه اخراجات حکمی موضوع و مستثنی است و اگر حسب الحکم اخراجات حکمی بر ارباب سیورغالات واقع می شود خصوصا " ده یک مستوفیان گرام دیوان اعلی حسب التفصیل حواله میدارند و اخراجات خلاف حکم در ممالک مسدود فرموده ایم . بنابراین اصلا " یک دنیاویک من بار به علت اخراجات حکمی و غیر حکمی خصوصا " علفه و علوفه و قتلغا و الاغ و الام و بیگار و طرح و دست انداز و پیشکش صاحب الکا و دوشلک ارکان دولت و عیدی و نوروزی و سلامی و رسوم داروغگی و کلانتری و شیلان بها بر سیورغالات مذکوره و مواضع و محالی که داخل سیورغال باشد حوالتی ننمایند و پیرامون نگردند و قلم و قدم کوتاه و کشیده داشته داخل توجیهاات و تخصیصات استصوابی ننمایند و بی آن که ممیزی از دیوان اعلی تعیین شود به علت حرز و مساحت و بازدید مدخل در سیورغالات و محال متعلقه بدان ننمایند و رعایت و مراقبت واجب دانسته ، از شکایت که موجب خطاب عظمی است محرز باشند . ایالت پناهی حکومت دستگاهی عمده الامرائی جلال الدین جوهره سلطان تواچی و شهر یاری (۲) اکابر ملاذی ضیاء یوسفا و وکلاء ایالت پناه مشارالیه حسب المسطور مقرر دانسته تخلف ننمایند و از جوانب بر این جمله رفته ، همه ساله نشان و پروانچه مجدداً نطلبند . در عهده دانند (۳) و اگر بدین علت چیزی گرفته باشند باز گردانند .

تحریراً " فی عاشر شهر رجب المرجب سنهٔ احدى و ثلاثين و تسعمائه .  
یا محمد یا علی

فرمان همایون شرف نفاذ یافت آن که به موجبی که در تاریخ دوم جمادی الاولی سنهٔ ۹۴۰ حکم همایون ماصادر شده مؤکد به لعنت نامه موشح به خط اشرف مبلغ . . از جملهٔ مالی دارالسلطنهٔ اصفهان از محلی چند که در ضمن آن فرمان قضا جریان تفصیل یافته بر عالی رتبت قدسی منزلت مستخدم الاعالی بالارث والاستحقاق سلطان النقباء و العلماء علی الاطلاق معز الاسلام والمسلمین محمدا مسلم دانسته، از حشو بنیچهٔ مملکت موضوع و مستثنی شناسند به همان دستور مقرر دانسته، محال مزبوره را از حشو بنیچهٔ مملکت وضع نمایند و مطلقاً به هیچ وجه من الوجوه بر آن محال حوالتی نمایند و ساوری و کندلک و ساوری نزول حال و ده یک ونیم سیورعال و ده یک رعیتی و شیلان بهاء و چریک و مردشکار و بیگار و رسم المهر و رسم الوزاره و رسم الحساب و حق السعی عمال و رسوم داروعگی و کلانتری و میرابی و عیدی و نوروزی و سلامانه و خرمن بهره و غیر ذلک آنچه معهود شده و آنچه به غیر از این سانح شود طلب ندارند و از آن تاریخ الی الغایه اگر چیزی به سبب امور مذکوره گرفته باشند باز گردانند و به علت آن که تفصیل ساوری و کندلک و غیره که در ضمن نشان مرقوم نگشته موقوف ندارند (؟) و محال مذکوره را به حرز و مساحت در نیاورند و به علت عوامل و هیمه و گاه و مرغ و درازگوش و طرح و غلهٔ ابتیاعی و غیره تعرض نرسانند و در آب اندازان متعرض بندهای آن محال نشوند و وکلاء و مزارعان مشارالبه را غیر حصهٔ ارباب و رعیتی جزو مرفوع القلم و مترخان شناسند و اگر حکمی صادر شود که کائنا " من کان در اخراجات استصوابی دست کلی دارند آن محال را از حصهٔ ارباب و رعیتی مستثنی دارند و تبعیض عامی که حاصل نمایند مستند نگردند که مالا" و خارجا" دانسته و در بسته شفقت فرمودیم و از هر چه اطلاق اسم طلب بر آن توان نمود معاف نموده ایم و اگر دانسته یا نادانسته احدی به خلاف مسطور عمل نماید به عهدهٔ داروعه و کلانتر و عمال آنجا که اگر چیزی گرفته باشند ستانیده باز گردانند و آن کس را به سزا و جزاء خود رسانند که موجب عبرت دیگران باشد و اگر احیانا" حکمی صادر شود که اطلاق بر ارباب سیورعالات کنند مثل چریک و رسم المهر و ده یک و نیم و مفصل در دیوان عالی مرقوم گردد مستوفیان کرام جمیع سیورعالات اسلام ملاد مومی الیها داخل مفصل نمایند و جمیع مضامین آن حکم جهان مطاع را من المبدأ الی المقطع مضمی و منفذ شناسند و ساعی در تغییر و تحصیل نقیض آن را از مطرودان و مردودان این دودمان ولایت نشان شمرند و هر ساله در این باب پروا آنچه مجدد نطلبند

و تخلف نورزند و شکر و شکایت ایشان را عظیم مؤثر (۱) شناسند .  
تحریراً " فی ...

(۳)

## الملک لله

فرمان همایون شد آن که چون محال متعلقه به سرکار سیادت و نقابت پناه هدایت و نجابت دستگاه حقایق و معارف انتباه متبوع اعظام السادات والنقبه الکرام مرتضی مالک اسلام مقتدی طوایف انام شمس میرزا محمد امینا حسب الحکم جهان مطاع به سیورغال او مقرر و از حشو بنیچه اخراجات و استصوابات مملکت حکمی و غیر حکمی موضوع مستثنی است بنابراین مقرر فرمودیم که عمال دارالسلطنه اصفهان من بعد به هیچ وجه من الوجوه به علت اخراجات و عوارضات از الاغ و بیگار و طرح و مرد تنگ چی و گاه و هیمه و مرغ و عوامل و غیر ذلک به هر اسم و رسم که بوده باشد حوالتی و اطلاقی به سرکار مومی الیه و رعایا محال متعلقه به او ننموده ، موضوع و مستثنی دارند و اگر به طریق شاهی سیون به علت مذکورات از مملکت چیزی طلب نمایند و کلاء سیادت و نقابت پناه مومی الیه را مطلع سازند که بدانچه میسر و مقدور باشد خود از محال خود سامان دهند و بدون علت اطلاق و حوالتی به رعایا محال متعلقه به سیادت و نقابت پناه مومی الیه ننمایند و مزاحمت نرسانند . در این باب قدعن دارند به عهده داروعه و وزیر دارالسلطنه مذکور که در این باب بهایت امداد مقدم دارند و در عهده دانسته ، از فرموده تخلف نورزند .  
شهر جمادی الثانی سنه ست و الف .

## برده نقاشی

شخصی که برده‌های تصویر می‌فروشد در بازار حراج خانه لندن تصویری قدیم به پول جزئی خریده بود بعد از آنکه پاک کرده بود دیده بود که از کار استاد‌های قدیم است که در این ایام این طور نقاشها پیدا نمی‌شوند و نام نقاش برده مزبور میشل انجلو (میکل آنز) است . چون کارهای این نقاش و استاد‌های دیگر آن ایام در رم بسیار است و نقاشهای آنجا از کارهای قدیم سر رشته خوب دارند تصویر مزبور را به شهر رم برده و به اجلاس نقاشهای آنجا نموده همه تصدیق کرده‌اند که کار میشل انجلو و صدوشت و پنجهزار فرانک که شانزده هزار و پانصد تومان پول ایران باشد قیمت کرده‌اند . " نقل از روزنامه وقایع اتفاقیه - شماره ۱۲ - جمعه ۲۲ جمادی الثانی ۱۲۶۷ "